

تلویزیون

روایت‌هایی از زندگی نویسندگان معاصر در شبکه ۴ سیما

مجموعه تلویزیونی «من یک نویسنده‌ام» به تهیه‌کنندگی بابک میزانی از امروز شنبه ۲۹ اردیبهشت، روی آنتن شبکه ۴ می‌رود. به‌گزارش تسنیم، مجید گیاه‌چی، مجری طرح این مجموعه تلویزیونی گفت: مجموعه تلویزیونی «من یک نویسنده‌ام» در هر قسمت ۳۰ دقیقه‌ای به زندگی، احوال و آثار یکی از نویسندگان معاصر می‌پردازد و نخستین مجموعه از این برنامه در ۳۲ قسمت تولید و آماده پخش است که پخش آن از روز شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷، آغاز خواهد شد. پخش این برنامه هر شب ساعت ۲۱:۳۰ پیش‌بینی شده و در طول هر هفته در روزهای شنبه تا چهارشنبه پخش می‌شود. مصطفی رحمان‌دوست، منبزه آرمین، راضیه تجار، صادق کریم‌ار و محسن مومنی شریف از جمله نویسندگانی هستند که در این برنامه به زندگی و آثارشان پرداخته می‌شود.

سیره علما در خانواده روی آنتن تلویزیون

مرکز مستند سوره آثار کوتاهی را با موضوع سبک زندگی علما تولید کرده است که در ایام ماه مبارک رمضان روی آنتن خواهد رفت. به گزارش «وطن‌امروز» در این مجموعه ۲۰ قسمتی که «قصه‌های زندگی» نام دارد داستان‌های کوتاهی از زندگی علمای قدیم و معاصر روایت شده است. از این شخصیت‌ها می‌توان به علامه طباطبایی، امام خمینی(ره)، آیت‌الله مجتهدی‌تهرانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شیخ عباس قمی، شیخ کبیر رحمه‌الله‌علیهم‌و… اشاره کرد.

خبر

ساعت کاری باغ کتاب تهران تا سحر ادامه می‌یابد
سیدمجید حسینی، مدیرعامل باغ کتاب تهران، با اشاره به اینکه در ماه رمضان این مجموعه از ساعت ۱۰ صبح تا سحر پذیرای شهروندان است، گفت: شهروندانی که در ماه مبارک رمضان به باغ کتاب مراجعه می‌کنند، می‌توانند با تهیه کارت «مشریان باغ کتاب» از تخفیفات ویژه این مجموعه بهره‌مند شوند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، وی در تشریح برنامه‌های ماه مبارک رمضان در این مجموعه، اظهار کرد:باغ کتاب تنهامجموعه فرهنگی است که برای نخستین‌بار تا سحر با شاعر «تا سحر مهمان باشید» به شهروندان خدمات‌رسانی می‌کند. او با اشاره به اینکه پردیس سینمایی باغ کتاب شنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها بلیت بینیمها ارائه می‌دهد، تصریح کرد: در ایام ماه مبارک رمضان پردیس سینمایی باغ کتاب از ساعت ۱۵ تا ۲ بامداد بلیت فروشی دارد و شهروندان می‌توانند هر روز از ساعات ۱۵ تا افطار بلیت بینیمها و بعد از افطار تا سحر به قیمت معمول از سینما استفاده کنند.مدیرعامل باغ کتاب با بیان اینکه باغ علم کودک و نوجوان در این ایام از ساعت ۱۰ صبح تا سحر میزبان علاقه‌مندان است، افزود: کتابفروشی‌های کودک، نوجوان، بزرگسال، باشگاه رباتیک، رستوران و کافه‌های باغ کتاب هم در ایام ماه مبارک رمضان تا سحر پذیرای شهروندان هستند.

سینمای جهان

احتمال همکاری مجدد دی‌کاپریو و اسپیلبرگ قوت گرفت

استیون اسپیلبرگ در حال مذاکره برای کارگردانی فیلمی است که لئوناردو دی‌کاپریو نیز ممکن است در آن نقش‌آفرینی کند. به گزارش مهر به نقل از وریایتی، استیون اسپیلبرگ و لئوناردو دی‌کاپریو در حال مذاکره هستند تا در فیلمی زندگینامه‌ای درباره اولیس اس‌گرنات شرکت کنند.
خبر ساخت این فیلم سال پیش مطرح شده بود و دی‌کاپریو تهیه‌کنندگی آن را پذیرفته بود. از این فیلم با عنوان «گرنات» یاد می‌شود که شخصیت اصلی فیلم و رهبری نقلی‌بود که در زمان ابراهام لینکلن نقشی مهم در جنگ‌های داخلی آمریکا داشت. دیوید جیمز کلی فیلمنامه اقتباسی این فیلم را می‌نویسد. اسپیلبرگ در عین حال یک تجربه مشترک از همکاری با دی‌کاپریو دارد که با فیلم «گه می‌تونی منو بگیر» در سال ۲۰۰۲ رقم خورد. دی‌کاپریو قرار است بزودی در فیلم کونتینن تارانتینو با عنوان «روزی روزگاری در هالیوود» جلوی دوربین بیفتد. در عین حال اسپیلبرگ با کمپانی خودش امبین اینترتیمنت و با همکاری کمپانی برادران وارنر در حال تولید فیلمی ماجراجویی با عنوان «شاهین‌سیاه» هستند.

وارش گیلتسی: ۱- جامعه ادبی، «غلامرضا کافی» را: از دهه ۷۰ می‌شناسد؛ شاعری آرام در گوشه‌ای از شهر شاعران شیراز که گاهی نیز از او شعری در گوشه‌ای از روزنامه یا مجله‌ای چاپ می‌شد. او از دهه ۸۰ دامنه فعالیت ادبی‌اش را گسترش داد. وی در این ۲ دهه و اندی، علاوه بر چاپ چند دفتر شعر، بیشتر وقتش را وقف تحقیق و پژوهش و شعر آیینی، ویژه شاخه عاشورایی آن و نیز شعر دفاع‌مقدس کرد؛ از پژوهش‌های علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای در این دو زمینه گرفته تا تنظیم و تدوین آنتولوژی‌های مختلف و متنوع در آنها؛ آثاری نظیر «دستی بر آتش» (شناسخت شعر جنگ/ ۸۱)، «فرشته و انجیر» (اشعاری آیینی، همراه با پروانه نجاتی/ ۸۱)، «شرح منظومه ظهیر» (نقد و تحلیل شعر عاشورا از آغاز تا امروز/ ۸۶)، «در آشیان چکاوک» (مجموعه شعر حماسی به همراه پروانه نجاتی) و… و مجموعه شعرهایی از سال ۷۹ تا ۹۵ نظیر «تیبغ و ترانه»، «در تابستان زخم»، «سمفونی سیم‌های خاردار»، «ترانک‌ها»، «همین زنجره تا صبح»، «توان تنهایی» و…

به هر حال، امروز غلامرضا کافی نه‌تنها به عنوان شاعری کم‌کار و گوشه‌گیر، بلکه به عنوان شاعری فعال و توانمند، خود را نیز در مقام یک شاعر پژوهشگر در جامعه ادبی مطرح کرده است.
۲- آخرین مجموعه‌شعر غلامرضا کافی که سال ۹۶ توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده، حاوی تعدادی غزل، غزلواره و مثنوی و چند قصیده و قصیده‌واره و ۳-۲ شعر دیگر است که بیش از آنکه فضای تغزلی و عاشقانه را حداقل در غزل‌ها نشان دهد، فضای عاطفی عاشقانه‌گری را بیشتر در فضای دینی و آیینی و نیز در فضای اجتماعی که دفاع‌مقدسی نشان می‌دهد، مگر در مواردی اندک، در شعرهایی نظیر «شیراز-خاتون»، اما یکی از اشعار دفتر «واقعیه» شعر دفاع‌مقدسی و حماسی «توفان‌مرد» است که شاعر آن را «به سردار نازنین سپاه اسلام» حاج‌قاسم سلیمانی تقدیم کرده است؛ سرداری که امروز در دل همه طبقات مردم ایران جا دارد و به عنوان یک اسطوره دارای شأن و مقام: «مرحبا سپاهی مرد، سرزهرشیر کرمانی دابورد دیواوژن، قاسم سلیمانی ای «جبال بارز» را خود نمونه‌ای بارز در خروش رود اروند با شکوه و طغیانی حب ذایل نوردی، ای حماسه! توفان‌مرد! از تو می‌شود آرام این کران توفانی…».

یکی دیگر از ردی‌های عاطفه غزل را نیز می‌توان در شعر «غریبه» دیده؛ شعری که نشانه‌های یکی از رزمندگان جبهه‌ها و هاله تقدسی که وجود و شخصیت او را احاطه کرده، نشان می‌دهد: «چقدر آشنا می‌نمایی غریبه! بگو از کجا؟ از کجایی غریبه؟ دل خندان تازه شد از عبورت مگر تو ولیّ خدایی غریبه؟ غبار کدامین سفر بر تو مانده‌ست که گرد از دلم می‌زدایی غریبه؟ به کار که بستی گره چفیه‌ات را که از کار من می‌گشایی غریبه؟ تن شهر بوی تو را می‌دهد، آه! تو جان کدام آشنایی غریبه؟ تو رفتی و مانده‌ست در کوچه شهر نشان از توام ردپایی غریبه!»

زیبایی‌های شعر بالا در دستپایی و رسیدن به



غزل است که حتی شاعر را به شعور می‌رساند، زیرا او از پشت‌توانه فرهنگ دینی‌ای برخوردار است که «مرد رزمنده را گره‌گشا می‌داند، چرا که گره‌گشایی کار مردان خداست…» و در اینجا «چفیه» که نماد جبهه و رزمندگان است، به صورت منطق شعری، وسیله این گره‌گشایی می‌شود. شاعر در این شعر از صورت و شکل شعر به محتوا و معنای شعر می‌رسد یعنی ابتدا رزمنده‌ای را غریبه نشان می‌دهد تا به آشنایی برسد؛ درست مثل همه رزمندگانی که یکدیگر را نمی‌شناختند اما نسبت به هم آشنا‌ترین می‌شوند. این امر در پایان شعر، بهتر خود را نشان می‌دهد؛ آنجا که غریبه می‌رود امسا ردپایش در کوچه‌های شهر می‌ماند و این ردپا خود در پلاک کوچه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و… باقی مانده است. یعنی شاعر با بیان مستقیم و چاشنی عاطفه، شعر را به مخاطب تحمیل نمی‌کند، بلکه از در زیبایی‌شناسی به باور او احترام می‌گذارد.

۳- تغزل باوقار و مئانت شاعر حتی اجازه ورود عاشقانه‌های آبی، ارویتیک و عاشقانه‌های عریان و بی‌پروا را به این دفتر نمی‌دهد، بلکه از راه‌های پنهان، نوعی تغزل ملایم اما عاطفی را در انواع مضامین و موضوعات پیدا می‌کند و از این طریق، به پیدا شدن راه شعر خود کمک می‌رساند. کافی بسیار راحت شعر می‌گوید و این از نوع بیان راحت و روانش پیداست:

«.. مست بودم، نرسیدم به بلندای مقامش سرو را نیست عجب گر بود از تاک فراتر قصرهایی‌ست بلور آینه آن‌سوتر فطرت رفته باشی اگر از ششدر ادراک فراتر شب میقات که جان پیرهن جسم نمی‌دید بودم از خیمه خورشیدی افلاک فراتر»

لا‌بید شاعر به این باور رسیده که والایی و مقام و زیبایی هر شعر در گرو معرفت داشته شاعر و نیز در دست خواله‌ای است که گاه در لحظه فرامی‌رسد؛ وقتی آن زمان از خودت پیشی می‌گیری، درست پیرو سخن امام باقر(ع) که فرمودند: «گر به آنچه می‌دانی عمل کنی، خداوند آن چیزهایی را که نمی‌دانی به تو خواهد آموخت» و این خود یک اصل

از اصول بسیار مهم در شاعری هم هست، یعنی اگر شاعر هنگام سرودن، راستی پیشه کند و برای عمیق نشان دادن خود تصنع به خرج ندهد و برای مبهم نشان دادن و ابهام داشتن شعر، آب را گل الود نکند، روان سرودن، نخستین ارمان او است و بعد شعرش از خود شاعر جلوتر و فراتر می‌رود:

«تو در من آن تب گرمی که آبم می‌کند کم کم نگاهت نیز چون مستی خرابم می‌کند کم کم تو در من آه و افسوسی، تب شب‌سوز فانوسی و می‌ترسم ز کابوسی که خوابم می‌کند کم کم منم چون کهنه‌دیواری به‌جا از قلعه‌های سنگ که باں و آفتاب آخر، خرابم می‌کند کم کم تو شیرینی و من فرهاد، و هر دو می‌رویم از یاد می‌بینم که دست مرگ خوابم می‌کند کم کم»
۴ – یکی دیگر از راه‌های تغزل‌گریزی غلامرضا کافی، غزل را به حماسه پیوند زدن است؛ «تصرالله مردانی» نیز از جمله شاعرانی است که بعد حماسی مسلط بر غزلش بوده و حتی عاطفه و تصویرهای لطیف و زیبا را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. البته به مرور، آن بُعد معنوی و روحانی تغزل و نه بعد عربی‌اش، در کار مردانی آشکارتر شده، به عاطفی‌تر شدن و نرم‌سی زبان تغزل نزدیک‌تر می‌شود. غلامرضا رحمدل شرفشاهی «نیز تغزل پنهانش را همواره در زبان حماسی اغلب پنهان خود، پنهان می‌دارد اما از هم‌نسلان غلامرضا کافی، «زکریا اخلاقی» و «حسین اسرافیلی» را می‌توان نام برد که اغلب توانایی آن را دارند که تغزل و حماسه را در یک بستر آورند. غلامرضا کافی نیز این توانایی و ویژگی را دارد و می‌گوید:

«بوی مرد و غبار سفر داشت باقه برفی بال‌هایش مثل آشوب بوران شب بود تندر شیشه‌شش‌به صدایش سپاه‌ای طرح شدیدز شیرین، آذرخشی که رخش تهمتن تنم بوی لیلایی دیگری داشت یال در باد و باران‌هایش یال در یال توفان گذشتند، در غروب‌ی که خون در نفس داشت مانده از آن سواران عاشق، حسرت خاطراتی برایش

درباره فیلم «عصبانی نیستم» که این روزها با توسل به حاشیه‌ها می‌فروشد

التهاب قلابی!

فیلم‌های اجتماعی تلخ و متعارف این سال‌ها همه‌جای فیلم را پر می‌کنند. پدر دختر به پسر ماجرا می‌گوید که زیادی آسمان‌جل است و اگر دخترش را دوست دارد، رهایش کند، پسر مهلت می‌گیرد، به دنبال کار می‌رود، کار پیدا نمی‌شود، فقط کارهای غیرقانونی هست که به آنها تن نمی‌دهد، به سختی کاری پیدا می‌کند ولی نمی‌تواند آن را ادامه دهد، به فکر فروش کلیه می‌افتد و در نهایت تنها جایی که می‌تواند کاری شرافتمندانه انجام دهد و تدریس کند، دست فیلم‌نامه‌نویس ستاره‌دارش می‌کند (این بار به معنای معمول، و در بن‌بست کامل گیرش می‌اندازد تا بتواند مخاطبش را به یک سکانس مفصل پراشک و آه میهمان کند. فیلم از گل‌درشت شدن هم کوچک‌ترین ابایی ندارد:

به بهانه پاسداشت میرهاشم میری در شب شاعر

کم‌گوی و گزیده‌گوی شعر انقلاب

- مصطفی‌محدثی‌خراسانی


به حافظه شعر انقلاب راه پیدا کند و در آن روزها که جامعه و ویژه نسل جوان اهل ادبیات عظمندند شنیدن شعرهایی با این طنین بود، پاس‌خگویی آن عطش باشد. میرهاشم میری کم‌گوی و گزیده‌گوی بود و کماکان برهمان عهد که بود، هست، اگرچه در ادامه راه کم‌گوی‌تر شد اما دست از گزیده‌گویی برنداشت. کم‌گوی‌تر شدن میرهاشم نیز علت داشت و آن عزم جزمی بود که او را بر آن داشت بخش عمده‌ای از وقت عمر گرفتارشدن را صرف کشف و پرورش و آموزش استعدادهای جوان



باد می‌آید و برگ‌ها را از سر شاخه‌ها می‌تکند می‌رود آن سوار کهنسال، کودکی می‌دود در قفایش»
۵- با این همه نکات مثبت برشمرده در اشعار غلامرضا کافی، ۲ نکته منفی در بعضی از اشعارش آشکار است: یکی گرایش به زبان تسخیرکننده «بیدل دهلوی» است که کافی در شعر «تشریف بلند آفرینش» به تسخیر آن درمی‌آید؛ زبانی که می‌تواند برای شاعران شیفتگی آورده و زبان تجربه‌شده ایشان را براحتی از چنگ‌شان درآورد. بالطبع کسی که به تسخیر زبان کسی درمی‌آید، ناگزیر از زبان او نیز تقلید کرده، به تسخیر افکار و مضمون و محتوای شعر او نیز درمی‌آید: «هرچه ذوق دیدنش را اشک پرپر کرده‌اند سیر حیرت‌خانه‌بال کبوتر کرده‌اند بال طلوسی، تب شش‌سوز فانوسی و می‌تربسم ز کابوسی که خوابم می‌کند کم کم ناگزیر از زبان او نیز تقلید کرده، به تسخیر افکار و مضمون و محتوای شعر او نیز درمی‌آید: «هرچه ذوق دیدنش را اشک پرپر کرده‌اند سیر حیرت‌خانه‌بال کبوتر کرده‌اند بال طلوسی که رنگ‌افشانه دیدار اوست طوطیان خانه آینه‌به‌باور کرده‌اند.»

تاثیرپذیری کافی از زبان «علی معلم‌دامغانی» هم کمتر از تقلید از زبان بیدل نیست و همان‌قدر مهم است و بالطبع جز فاصله‌گرفتن از آن پیش‌نهاده نمی‌شود؛ بویژه که زبان علی معلم- با همه والایی‌اش- فحاشتش گاه چنان است که تعابیر و حتی گاه واژه‌هایش سخت‌یاب است و مفاهیم و تعابیرش برای مخاطبان امروزی قابل درک نیست. اگرچه زبان کافی هنوز به آنجا نرسیده است: «هلا به ریگ روان تاب راه باید کرد هلا برید سفر بوی آه باید کرد هلا که محمل خود بی جهاز باید بست دوال عزم به فصد حجاز باید بست ز شور آه، گداز نفس برانگیزید برید قافله را بی‌جرس برانگیزید ز پویه بر زیر مرثه داغ بنشانید به مویه بر جگر شروه داغ بنشانید…»

غلامرضا کافی باید این زبان‌های عاریتی را پس دهد، حتی اگر این زبان از آن بزرگانی چون بیدل و علی معلم باشد. کافی است به زبان خود بازگردد؛ به زبانی که شعرش را بدرستی می‌سازد. پیش از این به نوع و جنس سازندگی شعرش اشاره کردیم و نمونه‌هایی چند از آنها نیز آوردیم.

رمضان‌نامه
<p>سلام شهر رمضان ...</p> <p>فاطمه‌عبدالوند</p>

<p>پر از صدای سلام است کوچه‌ها خبر آورده‌اند، ضیافت عاشقی به‌راه انداخته‌ای دوباره من دوباره تو دوباره ما شدن‌مان در این ماه دوباره تا طلوع فجر آسمان را چرکنویس آرزوهایم کنم تو بخری همه را قادرترین تاجری که بی‌حساب می‌خری دَرهم بر می‌داری تمام آنها که تنها ره‌توشه حضورشان به میهمانی تو تنها سلامی، از سر صداقت است و نگاهی که دوخته به زمین و داستانی که تسلیم توست تا بگوید هیچ ندارد مگر، سرخی چشمانی که می‌گوید اشتباهی‌رفتم‌ام اما برگشته‌ام با تمام یقینم به تو... در شهر غوغاییست... ضیافت عاشقان خداست... دَرهم بخر مرا که قد درهمی عمل نیک ندارم تا قبولم کنی، میان این همه عاشق ... اما یقین دارم در خانه رمضانت باز گناشته‌ای نگفته‌ای عاصی و پشیمان راه نمی‌دهم... کوله‌باز کهنه دل‌م را انداخت‌ام روی دوش امیدم میهمانم کن به غفران پشت دروازه‌های شهر رمضان منتظرم، برای رسیدن به لبخند خودت... می‌خواهم با جوشن کبیرت جوشنی از رحمت بر روحم بیوشانی همین شب‌ها که دلیل مطلق برای آرامش و با ندای بخشش تو حلاوت بندی‌م را افکار منی کنم ... سلام خدای همیشه غفارم سلام شهر رمضان ...</p>
گیشه

جاماندن فیلم‌های اکران دوم نوروزی در گیشه سینماها

فیلم‌های سینمایی «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی، «آن سوی ابرها» به کارگردانی مجید مجیدی و «جشن دلنتگی» به کارگردانی پوریا آذربایجانی تا به حال در گیشه سینماهای کشور شکست خورده و فروش چندانی نداشته‌اند. به‌گزارش فارس، در هفته‌ای که گذشت، طرح اکران ماه مبارک رمضان آغاز شده، طرحی که به فروش فیلم‌های سینمایی ایران سرعت بخشید و باعث شد بسیاری از مردم سینما را برای اوقات فراغت خود انتخاب کنند. در این هفته فیلم‌های سینمایی «گکراس»، «لاتاری»، «فیلشاه» و «مصادره» توانستند مخاطبان بیشتری را به سمت گیشه‌های سینما جذب کنند. از طرف دیگر حدود ۳ هفته است که اکران نوروزی ۹۷ در سرگروه‌های سینمایی به پایان رسیده و این سرگروه‌ها به فیلم‌های جدید داده شده است اما این فیلم‌ها سرعت فروش بسیار کمی داشته‌اند و مخاطبان سینما هنوز علاقه‌مند به دیدن فیلم‌های قدیمی (اکران نخست نوروز) هستند. از طیف فیلم‌های نفروش می‌توان فیلم‌های سینمایی «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی، «آن سوی ابرها» به کارگردانی مجید مجیدی و «جشن دلنتگی» به کارگردانی پوریا آذربایجانی اشاره کرد که تا به حال گیشه نامطلوبی داشته‌اند. براساس این گزارش، جدیدترین آمار فروش فیلم‌های سینما، ایران که از سوی داتار بخش اعلام شده، فیلم سینمایی «مصادره» ۱۴ میلیارد و ۷۸۵ میلیون تومان، «لاتاری» ۱۴ میلیارد تومان، «به وقت شام» ۱۲ میلیارد و ۹۲۰ میلیون تومان، «لونه زنبور» ۹ میلیارد تومان، «فیلشاه» ۷ میلیارد تومان، «گکراس» ۶ میلیارد و ۳۶۰ میلیون تومان، «عصبانی نیستم» یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان، «چهارراه استانبول» یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان، «خوک» ۴۱۹ میلیون تومان، «آن سوی ابرها» ۹۴ میلیون تومان و «جشن دلنتگی» ۹۰ میلیون تومان فروش داشته‌اند.